

سند سیاسی پیشنهادی به نخستین کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق) (۱)

دوشنبه، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹ - 21:43



کمیسیون سند
سیاسی حزب چپ
ایران (فدائیان خلق)

رفقای گرامی

با درود

بعد از انتشار سند سیاسی پیشنهادی به نخستین کنگره‌ی حزب، ما پیشنهادهای جدیدی از طرف دوستان دریاقت کردیم و بخش زیادی از آنها در متن جدید وارد شدند. متن حاضر، با اصلاحاتی که صورت گرفته است، متن نهائی سند سیاسی پیشنهادی کمیسیون به کنگره است.

کمیسیون از دوستان حزب و رفقای که در مورد سند سیاسی اظهارنظر کرده و یا پیشنهاد داده‌اند، تشکر می‌کند.

کمیسیون سند سیاسی

۴ تیر ۱۳۹۸ - ۲۵ ژوئن ۲۰۱۹

متن نهائی:

سند سیاسی پیشنهادی به نخستین کنگره

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) (۱)

کشور ما امروز با بحران‌های فزاینده و درهم تنیده، انبوه شکاف‌های اجتماعی و چالش‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. رژیم جمهوری اسلامی که خود عامل اصلی در پدید آمدن این بحران‌هاست، قادر به مهار و حل آنها نیست. بر بستر این بحران‌ها، اعتراضات مردم ابعاد وسیع‌تری یافته‌اند؛ اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان،

دانشجویان، بازنشستگان، مالباختگان، کشاورزان، جمع بزرگی از بازاریان و دیگر گروه های اجتماعی گسترده تر شده و کیفیت نوینی را پدید آورده اند. جنبه‌ی سیاسی آن‌ها تقویت، همبستگی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی افزون تر و همسوئی های سیاسی در سطح ملی آشکارتر شده است. جمهوری اسلامی انزوای فزاینده و بی‌آیندگی خود را عیان‌تر ساخته است. اوضاع در جهت افزایش میزان مخالفت با جمهوری اسلامی و گذار ناگزیر از آن پیش می‌رود و تحرکات در صفوف اپوزیسیون شتاب بیشتری به خود می‌گیرد.

۱. اوضاع سیاسی:

جمهوری اسلامی در بن‌بست قرار گرفته و قادر به برون‌رفت از این وضعیت نیست؛ با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی و چالش در درون خویش روبرو است. اگرچه پایه‌های اقتدار آن فرو ریخته است، اما هنوز هم با اتکاء به دستگاه عریض و طویل سرکوب دولتی، دستگاه‌های گوناگون امنیتی، پایگاه اجتماعی محدود ولی برخوردار از سازمانیافتگی، نیز لایه‌ای از سرمایه‌داران عمدتاً رانت‌خوار، دلال و باندهای فاسد درون حلقه‌ی قدرت، به سلطه‌ی خود ادامه می‌دهد.

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر تمرکز اختیارات در دست ولی فقیه، نهادها و ارگان‌های زیر نظر او و بیشتر از همه سپاه پاسداران استوار است و با گذشت هر روز، بیش از پیش در همین رکن اصلی متمرکزتر می‌شود. تصمیمات کلان حکومتی، عمدتاً در "بیت رهبری" و مجموعه‌های حول و حوش آن رقم می‌خورند و با دستورات پیدا و پنهان "رهبر" قابلیت اجرایی می‌یابند. مجلس و دولت با تهی‌شدن از حداقل کارکردهای خود و تمکین به تنزل جایگاه خود، به تابع زیر مجموعه‌های ولایت فقیه تقلیل یافته‌اند "شورای نگهبان" و "مجمع تشخیص مصلحت" مدام و آشکارا به سطح قانون و سیاست‌گذاری بر کشیده شده‌اند. ولی فقیه و نهادهای تحت امر او از سپاه پاسداران تا نیروهای راست افراطی که به اعتقاد یا به مصلحت پیرامون او گرد آمده‌اند، هرگونه تغییر و رفرم را، در جهت تضعیف موقعیت خود می‌دانند، با استفاده از تمامی امکانات مانع از آن می‌شوند و بر حفظ وضع موجود اصرار می‌ورزند. به موازات این روند اما، جامعه در سمت عکس آن در حرکت است.

اصلاحات در جمهوری اسلامی به بن‌بست خورده است. اصلاح طلبان، بیش از پیش فاقد راهکاری برای برون رفت کشور از وضعیت بحرانی هستند و اکنون روند تجزیه در صفوف خود را طی می‌کنند. اساساً اصلاحات با هدف توسعه‌ی سیاسی در جمهوری اسلامی که نهاد ولایت فقیه بر همه‌ی ارکان آن مسلط است، ناممکن و بدون چشم انداز است. ارتقاء سطح اعتراضات مردمی و به چالش کشیدن کل نظام، شکاف در درون اصلاح‌طلبان

را نیز تسریع نموده است. اصلاح طلبانی که برنامه و دغدغه‌اشان ایجاد فضای باز سیاسی و گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است، ناگزیر از انتخاب‌های سیاسی جدید هستند. (۲)

نیاز مبرم جامعه ما استقرار جمهوری سکولار و دمکرات، حکومتی متکی بر اراده‌ی آزاد مردم در کشور و گذار از جمهوری اسلامی است. مردم کشور ما به تجربه دریافته اند که هر گامی در جهت کاستن از دشواری‌ها و هر کوششی در راه گشایش برای توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی کشور با مقابله‌ی قهری ارکان اصلی قدرت جمهوری اسلامی مواجه است و کوشش برای اصلاح این نظام، عملاً بیهوده و سترون است و به اصلاح آن نخواهد انجامید. تجربه‌ی چهل سال جمهوری اسلامی به مردم ایران نشان داده است که خصلت فقهاتی و ایدئولوژیک این نظام بر وجه جمهوریت آن تسلط کامل دارد و اجازه‌ی هیچ اصلاح جدی را نمی دهد و از این رو، حکومتی است واپس‌گرا، در تقابل با اراده و خواست مردم و عامل رانده شدن کشور به ورطه‌ی سقوط.

۲. اوضاع اقتصادی:

کشور ما با چالش‌های کلانی در حوزه‌ی اقتصادی مواجه است: تداوم بن‌بست ساختاری، تورم مزمن، برنامه‌های اقتصادی نامتعارف، ناموزون و گرایش نفولیبرالی دولت‌ها، سلطه‌ی ارگان‌های امنیتی و نظامی و بنیادهای عریض و طویل بر بخش مهمی از تولید، توزیع و خدمات، حجم عظیم بوروکراسی دولتی و کسری مداوم بودجه‌ی آن، ورشکستگی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ناتوانی در تامین نیازهای رشد اقتصادی، تعطیلی و کاهش ظرفیت واحدهای تولیدی و افزون بر همه، تحریم‌های فلج کننده، اقتصاد کشور را زمین‌گیر کرده است. سیاست‌های جمهوری اسلامی عامل اصلی وضعیت اقتصادی وخیم کشور است.

بحران اقتصادی به فقر گسترده به‌ویژه در میان زحمتکشان و تهی‌دستان جامعه و افت سطح زندگی طبقه‌ی متوسط و ریزش آن‌ها به گروه‌های فقیرتر مردم منجر گشته است. این امر، زمینه‌ی عینی اتحادی فراگیر در بطن جامعه علیه فلاکت عمومی اقتصادی را فراهم‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی از شیوه‌های خشن و عقب مانده برای استثمار کارگران و مزد بگیران بهره می گیرد و از بی‌حقوقی نیروی کار و زحمت دفاع می کند. رشد اقتصادی کشور را قربانی اهداف ایدئولوژیک و ماجراجویی‌های برونمرزی می نماید. طی چهار دهه‌ی گذشته لایه‌ی نازکی از سرمایه‌داران را به ثروت‌های افسانه‌ای رسانده، از یک سو، بر بستر سرمایه‌داری مافیائی، رانت‌خواری، حامی‌پروری با استفاده از درآمد نفت و فساد ساختاری، لایه‌های انگلی و چپاولگری را پدید آورده است که با سرسختی از این نظام دفاع می کنند؛ از سوی دیگر، اکثریت

جامعه را به سوی فقر گسترده سوق داده و با افزایش بی‌سابقه‌ی فاصله‌ی فقر و ثروت، شکاف طبقاتی عمیقی را در کشور پدید آورده است.

جمهوری اسلامی قادر به مهار بحران اقتصادی نیست. نه تنها نمی‌تواند برنامه‌ای برای برون‌رفت کشور از بحران عمیق اقتصادی عرضه کند، بلکه خود مانع هر گونه گشایش در اقتصاد کشور است. هیولای بحران اقتصادی جمهوری اسلامی نه فقط میلیون‌ها نفر را زیر خط فقر رانده و به روز سیاه نشانده، بلکه کابوسی برای خود نظام نیز شده است. همین اقتصاد چشم‌اسفندپار جمهوری اسلامی است و می‌تواند به عنوان عاملی مهم در فروپاشی آن عمل کند.

۳. تخریب محیط زیست

کشور ما امروز با بحران محیط زیستی دشواری مواجه است. مشکلات زیست محیطی کشور ما عمدتاً ناشی از سوء مدیریت حکومت هستند. سیاست‌های جمهوری اسلامی با بی‌توجهی به تبعات تغییرات اقلیمی و اهیت حفظ منابع طبیعی، در انهدام جنگل‌ها، تخریب منابع طبیعی، بحران منابع آب کشور، سدسازی‌های بی‌رویه، ائتلاف بی‌رویه منابع آب کشور، هدر دادن ذخیره‌های زیرزمینی مستقیماً موثر بوده‌اند و وضعیت شکننده‌ای را پدید آورده‌اند. تخریب روستاها، خشکیدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، بحران ریزگردها و هوای آلوده شهرها از جمله عواقب بی‌توجهی به الزامات حفظ محیط زیست در کشور است. سیل اخیر در اقصی نقاط کشور بخشی از تبعات این سیاست‌ها را به نمایش گذاشت.

۴. جنبش‌های اعتراضی و مدنی و سمت‌گیری آن‌ها :

جنبش اعتراضی و مدنی مردم از خیزش دی‌ماه ۹۶ تاکنون، در سطح کشور فراگیرتر شده و ابعاد وسیع‌تر پیدا کرده است. این بار نارضایتی‌ها از نظام و سیاست‌ها و برنامه‌های آن به اعماق جامعه کشیده شده و گرانیگاه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن در لایه‌های پایینی جامعه قانونی شده است. در خیزش اعتراضی مردم، مطالبات اقتصادی با خواست‌های سیاسی، آزادی با عدالت‌خواهی هر چه بیشتر به هم گره می‌خورند.

کارگران و معلمان علی‌رغم بازداشت، شکنجه و زندانی شدن فعالان خود و مواجهه با انواع تهدیدهای حکومت، دست از اعتراض و اعتصاب برنمی‌دارند. عدم تناسب درآمد با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی ناشی از گرانی فزاینده، تعویق چندین ماهه‌ی پرداخت دستمزد‌ها، انواع فشارهای معیشتی دیگر، رواج بی‌قانونی در محیط‌های کار، زورگویی‌های صاحبان سرمایه و کارفرمایان پس‌زمینه و مایه‌ی اصلی این اعتراضات هستند. کارگران و دیگر

افشار زحمتکش جامعه، با اعتصابات و اعتراضات خود جسورانه سیاست‌های حکومت را به چالش می‌کشند.

اگر در خیزش دی ماه ۹۶، مردم تلاش کردند خیابان‌ها را از سیطره‌ی حکومت به‌در آورند، روند رو به گسترش اعتراضات کارگران و زحمتکشان طی دو سال اخیر توانسته است بسیاری از محیط‌های کار را به صحنه‌ی چالش با سیاست‌های حکومت تبدیل کند و هم‌زمان افکار عمومی را در پشتیبانی از خواست‌های خود به واکنش هم‌دلانه بسیج نماید.

جمهوری اسلامی امروز علاوه بر اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان، با اقسام اعتراضات دیگر گروه‌های اجتماعی علیه تبعیضات حکومتی مواجه است. مبارزه‌ی مدنی برای آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در اشکال متکثر و طیفی از مقاومت‌های مدنی در سراسر کشور جریان دارد. برآمدهای مبارزاتی در زمینه‌ی ستیز با تجلیات تبعیضات گوناگون از جمله تبعیض‌های جنسیتی، ملی و قومی، دینی و عقیدتی در زمره‌ی واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جاری کشور محسوب می‌شوند و روز به روز بیشتر به یکدیگر گره می‌خورند.

۵. فشارهای بین‌المللی:

فشارهای بین‌المللی طی ماه‌های گذشته افزایش چشمگیری یافته است. دولت آمریکا که سیاست زورگویانه‌ی آن بر بنیان اعمال فشار به دولت‌های دیگر پایه‌گذاری شده است، با خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، بر حدت و شدت بحران در مناسبات با جمهوری اسلامی افزوده است. جمهوری اسلامی با سیاست چند دهه‌ای مبتنی بر شعار "مرگ بر آمریکا" سرانجام پاسخ خود را در تندترین نوع واکنش از سوی هیئت حاکمه‌ی فعلی آن کشور گرفته است. سیاست خصمانه‌ی دولت کنونی ایالات متحده عمدتاً بر زمینه‌ی سیاست "دشمن محور" ولی فقیه و نهادهای زیر مجموعه‌ی آن عمل می‌کند.

جمهوری اسلامی هم‌چنین، با تبدیل سیاست اسرائیل‌ستیزی به بخشی از هویت خود، نه تنها به رشد و تقویت راست‌ترین جریان‌ها در خود اسرائیل یاری رسانده و باعث پیچیده‌تر شدن معضلات منطقه به ضرر فلسطینی‌ها شده است، بلکه نزاع لفظی با دولت اسرائیل را بدل به موضوع کانونی خطرناکی در خاور میانه کرده است. ائتلاف ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان علیه جمهوری اسلامی، عملاً چون تهدید هولناکی علیه ایران، و صلح و دوستی در منطقه عمل می‌کند

دخالت‌های رژیم در مناطق بحرانی مثل سوریه، عراق و یمن، مناسبات با همسایگان را تحت تاثیر قرار داده است. سیاست فاجعه‌بار ایده‌ی "عمق استراتژیک" و با کارگزاری "سپاه قدس" در بخشی از منطقه که "هلال شیعی" نامیده شده است، کشور ما را

عملا در اکثر مناقشات منطقه درگیر نموده و وارد رقابت‌های زیانبار با کشورهای عرب منطقه کرده است. این مشی حکومت نه تنها بی آینده و محکوم به شکست است، بلکه پیامدهای سنگین نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زیادی برای کشور ما در پی داشته و دارد. مبارزه برای عقب نشاندن جمهوری اسلامی از سیاست خارجی تنش‌زا و توسعه‌طلبانه، مبارزه علیه یکی از پایه‌های اصلی دوام و موجودیت آن است. این واقعیت سیاسی را در ایران امروز، می توان در شعار مردمی "دشمن ما همین‌جاست" منعکس دید و در رشد قدرت تشخیص اولویت‌ها توسط مردم در مخالفت هم‌زمان آن با هر دو سوی منازعه ردگیری کرد.

۶. تحولات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی:

بعد از خیزش دیماه ۱۳۹۶ بر میزان مخالفت مردم با جمهوری اسلامی و گذار از آن به طور بی‌سابقه‌ای افزوده شده است. این تحول اپوزیسیون را به تحرک بیشتر وادار کرده است. دو عامل در تحولات اپوزیسیون و روندهای درونی آن نقش دارند: ۱) به ژرفا رفتن باز هم بیشتر شکاف میان دولت و ملت و پیامدهای آن در صحنه سیاسی، گسترش بی سابقه‌ی جنبش اعتراضی مردم، ۲) بیرون آمدن دولت آمریکا از برجام و تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی و تشدید فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی و نیز شکل‌گیری ائتلاف آمریکا، عربستان و اسرائیل. اولی عاملی تعیین کننده و متأثر از فضای اعتراضی در جامعه است که نوعی از فشاردگی میان صفوف اپوزیسیون را به بار آورده و بلندتر شدن صدای مخالفت و مبارزه‌ی پیگیر با جمهوری اسلامی را باعث شده است. نیروهای جمهوری‌خواه سکولار و دمکرات عمدتاً از این روند متأثرند و در جهت تشکیل ثقل جمهوری‌خواه گام بر می‌دارند. اما دیگری که در اصل از چگونگی رویکرد بخش‌های مختلف اپوزیسیون نسبت به حدت بحران میان جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا و متحدانش در منطقه ناشی می شود، بر هم‌پیوندی نیروهای اپوزیسیون تأثیر منفی گذاشته و بازار آترناتیو سازی را رونق بیشتری داده است.

هم اکنون همکاری و ائتلاف‌های جدیدی در میان بخش‌های مختلف اپوزیسیون جمهوری‌خواه و دمکرات در حال شکل‌گیری است. این امر هر چند نشان‌دهنده‌ی آن است که امید به تغییر و تاثیرگذاری نیروهای اپوزیسیون در جامعه تقویت شده است، اما هنوز متضمن نقش مؤثر این نیروها در صحنه سیاسی کشور نیست و تلاش‌ها در این عرصه هنوز در آغاز راه است.

۷- سیاست ما در مورد تغییرات در صفوف اصلاح طلبان:

یکی از تغییرات در میان اصلاح طلبان، پیوستن بخشی از آن‌ها به صفوف نیروهای سکولار و طیف باورمندان به مشی گذر از جمهوری اسلامی است. این بخش گرچه هنوز فقط اقلیتی از این

جریان را در بر می گیرد، اما رو به رشد است و همسو با پایگاه اجتماعی رو به ریزش و ناامید از اصلاح این نظام عمل می کند. این در حالی است که اکثریت اصلاح طلبان سیاست خود را همچنان با قدرت مستقر تنظیم می نمایند، یا دل در گرو قدرت دارند و یا در تردید میان ولایت و مردم در حال نوسان‌اند. ادامه‌ی امید درباره‌ی آزادی انتخابات در زیر چتر ولایت فقیه و هراس‌شان از "خیابان" و خیزش‌های اجتماعی، معرف جایگاه آنان در مبارزه‌ی جامعه با حکومت است. سیاست ما تقویت گرایش به سکولار دموکراسی و نقد گرایشی است که دل در گرو قدرت دارد. (۳) و (۴)(۵)

۸. استراتژی سیاسی ما برای گذار از جمهوری اسلامی:

کشور ما برای انجام تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مثبت و جدی نیازمند رهائی از جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی وارد روند فروپاشی شده، با نارضایتی گسترده‌ی مردم و جنبش اعتراضی در اعماق جامعه مواجه است و قادر نیست بر بحران‌های چندگانه و درهم‌تنیده‌ی کنونی غلبه کند. کشور ما آستان تغییرات است. عوامل متعددی در چگونگی این روند تاثیرگذار هستند. عوامل درونی و عوامل بیرونی. روندها در پائین، از جمله سطح و ابعاد اعتراضات، سازمانیابی و پیوند خوردن آن‌ها، وضعیت اپوزیسیون و روندها در بالا، همچون اراده و توان سرکوب حکومت، شکاف و اختلاف بین گروه‌های حاکم و توان مقاومت رژیم در برابر دولت ترامپ و یا عقب‌نشینی و سازش با آن.

ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات با اتکاء به جنبش‌های مدنی و مبارزات دمکراتیک مردم ایران مبارزه می کنیم. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دموکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، استواری جنبش زنان کشورمان علیه تبعیض و نابرابری، جنبش‌های دمکراتیک ملی و قومی و بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان و دانشگاهیان جامعه استوار است. ما به سازمان‌یابی مستقل مردم باور داریم. همکاری نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه‌ی آزاد و عادلانه را هموار سازد. گذر از این نظام و استقرار دمکراسی تنها از طریق مبارزه‌ی ملی و فراگیر و بسیج اجتماعی بخش‌های مختلف مردم ممکن است. ما بر پیوند اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی تبعیض ستیز زیر شعار آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی تاکید داریم. هدف ما حمایت از مبارزات این مجموعه و تقویت همبستگی بین آن‌ها است.

راهبرد ما برای گذار از جمهوری اسلامی، متأثر از نوع تحولات برنامه‌ای در فردای گذار است. از این‌رو معطوف به شکل دادن به ثقل جمهوریخواهی سکولار و دمکرات در سپهر سیاسی کشور از

یکسو، تلاش برای همکاری و تشکیل بلوک چپ برای سازماندهی مبارزات سیاسی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر است. اتکاء اصلی ما به مبارزات کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران است.

در گذار از جمهوری اسلامی، سمت اصلی مبارزه‌ی ما علیه ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است. در عین حال به باور ما مبارزات مردم برای عقب‌نشاندن حکومت در هر زمینه و به هر اندازه به سود روندهای دموکراتیک و گامی به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار است. (۵)

فعالیت ما باید عمدتاً بر توانمندسازی جنبش طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و دانشجویان به عنوان نیروی محرکه‌ی اصلی در اعتراضات مدنی و نیز جذب طبقه‌ی متوسط شهری متمرکز گردد و در همان حال، بر یافتن راه‌های هم‌پیوندی آن‌ها با اقدامات افشار دیگر توجه نماید. دعوت به ایجاد کانون‌های پوشش دهنده‌ای همچون کمیته‌های همبستگی ملی با اعتراضات، کانون‌های دفاع از زندانیان سیاسی، به منظور گره‌زدن شاخه‌های مختلف جنبش اعتراضی به‌همدیگر، از راهکارهای موثر در جهت توانمندسازی اعتراضات مردم است.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در مسیر گذار از جمهوری اسلامی بر مبارزه‌ی مسالمت آمیز و بسیج فراگیر جنبش‌های اجتماعی تاکید دارد. از اعتصابات و اعتراضات کارگران، زحمتکشان، مبارزات مدنی زنان، معلمان، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، پرستاران و ... برای تامین مطالبات، حقوق و آزادی‌های مدنی دفاع می‌کند. تشکل، تجمع، اعتصاب و آزادی بیان را حق همه‌ی گروه‌های اجتماعی و مدنی می‌داند. ما ما طرفدار مبارزه‌ی مسالمت‌آمیزیم و از مبارزات مدنی مردم در هر حال حمایت می‌کنیم.

۹. شعار راهبردی ما:

جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر، ضد حقوق بشر و دموکراسی، حافظ نظام سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و مناسبات اجتماعی عقب‌مانده‌ای است که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکا به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی و پایه‌ی اجتماعی محدود، به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی دولت ایدئولوژیک است و ساختار آن برپایه تبعیض، تلفیق دین و دولت و حاکمیت روحانیت شیعه پی‌ریزی شده و در آن ولایت فقیه هسته‌ی اصلی ساختار قدرت است. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی مغایر و متضاد با دموکراسی است. جمهوری اسلامی دارای خصلت دولت رانتیر و حامی‌پرور است و در اساس قدرت سیاسی است که ثروت، مالکیت و امتیازات طبقاتی را می‌سازد. جمهوری اسلامی مانع

اصلی اعمال اراده‌ی آزاد مردم، حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک و تامین آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و استقرار دموکراسی در کشور است.

شعار راهبردی ما برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات، تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید است. (۶) و (۷)

۱۰. همکاری‌ها و ائتلاف‌های ما:

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر ضرورت و اهمیت مبرم بودن همکاری و وحدت نیروهای چپ تاکید دارد؛ در جهت تشکیل بلوک چپ و مبارزه‌ی متحدانه برای آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم تلاش می کند؛ نزدیکی‌ها، همسوئی‌ها و همگرایی‌ها در میان نیروهای چپ، اعم از متشکل و منفرد را گامی در جهت تقویت دفاع از منافع و مطالبات کارگران، مزدبگیران و تهیدستان و فرارویاندن آن به نیروئی تاثیر گذار در تحولات سیاسی کشور می داند و آمادگی خود را برای فعالیت مشترک در جهت ایجاد بلوکی از نیروهای چپ که بتواند پژواک رسای این نیروها در صحنه‌ی سیاسی کشور باشد، اعلام می کند.

ما شکل‌گیری همکاری و ائتلاف بین جریان‌های جمهوریخواه سکولار و دمکرات را ضروری می‌دانیم و معتقدیم که جمهوریخواهان ایران برای شکل‌دهی ثقل جمهوریخواهی در صحنه‌ی سیاسی کشور، باید وارد روند گفتگو و همکاری‌های گسترده‌تر شوند و ائتلافی فراگیر و پوشش‌دهنده از احزاب و فعالین سیاسی جمهوریخواه ایجاد کنند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات را، گامی در جهت گذار به دموکراسی و استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران می داند. ما آمادگی خود را برای گفت و گو و همکاری با همه‌ی نیروها، در راستای ایجاد ثقلی از نیروهای جمهوریخواه سکولار و دمکرات اعلام می کنیم. در عین حال، از گفتگو و دیالوگ با دیگر نیروهای اپوزیسیون استقبال می‌کنیم.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) مخالف هر نوع حکومت استبدادی، سلطنتی، موروثی و ایدئولوژیک در ایران است و برای استقرار جمهوری سکولار و دمکرات در ایران و با تکیه بر نیرو و توان خود مردم ایران مبارزه می کند. ما مخالف آلترناتیوسازی و دخالت دولت‌های خارجی و اتکاء اپوزیسیون به قدرت‌های بزرگ و دولت‌های خارجی برای تغییرات سیاسی در ایران هستیم.

راهکارهای سیاسی ما:

۱. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از مبارزات کارگران برای تامین مطالبات خود، تشکیل سندیکاهاى مستقل و عليه سياست‌هاى نئولیبرالى دولت که قوانين حمايتى، دستاوردهاى جنبش کارگرى و حقوق سندىکايى کارگران را آماج تاخت و تاز قرار داده، حمايت مى کند. ما براى قانون کار جديد و مترقى منطبق بر نيازهاى کارگران، براى تامين دستمزد مکفى و متناسب با هزينه‌هاى زندگى براى کارگران و پرداخت منظم و به موقع آن، ايجاد اشتغال، بيمه‌ى بىکارى، به رسميت شناختن حق تشکل و اعتصاب، آزادى فعالان سندىکايى زندانى، لغو قراردادهاى موقت کار در مشاغلى که ماهيت مستمر دارند، توقف و لغو خصوصى سازى واحدهاى کلان توليدى و خدماتى، ممنوعيت کار کودکان، رفع تبعيض جنسيتى و مخالف تغيير قوانين حمايتى کار و تامين اجتماعى به زيان کارگران مبارزه مى کنيم. کارگران بايد تحت پوشش قانون کار و تامين اجتماعى قرار گيرند. مديريت امور تامين اجتماعى بايد به شورايى مرکب از نمايندگان تشکلهائى مستقل کارگرى و نهادهائى نظارتى. به انتخاب خود آنها واگذار شود. ما از مطالبات و مبارزات معلمان، بازنشستگان و پرستاران حمايت مى کنيم.

۲. نقض حقوق بشر جزئى از ساختار متکى بر تبعيض جمهورى اسلامى است. هم اکنون تعداد زيادى از کنشگران مدنى، فعالان جنبش هاى اجتماعى، زنان، معلمان، کارگران، نويسندگان، روزنامه نگاران، وبلاگ نويسان، دگر اندیشان، وکلای مدافع حقوق بشر، فعالان محيط زيست، باورمندان به ادیان و مذاهب ديگر، در زندانهاى جمهورى اسلامى شکنجه شده و به حبسهاى طويل المدت و اعدام محکوم مى شوند. اين احکام حربى حکومت استبدادى براى ارباب جامعه‌ى به پا خاسته‌ى ايران است. سياستى که هم چنان ادامه دارد. اگرچه از ميزان اعدامها در سال گذشته کاسته شده است، اما با اين وجود جمهورى اسلامى هنوز يکى از رکورد داران اعدام در سطح جهانى است. ما مخالف صدور حکم اعدام هستيم و بر ضرورت تداوم و تشديد اتحاد عمل عليه اعدامها و توقف کشتارها تاکيد مى ورزيم. ما با اعلام همبستگى با زندانيان سياسى کشور و همدردى با خانواده هاى آنان، صدور احکام سنگين براى فعالان سياسى و مدنى را محکوم مى کنيم و بر مبارزه براى آزادى کليه زندانيان سياسى تاکيد دارد. حزب چپ ايران (فدائيان خلق) بر اعلاميه جهانى حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و تمامى الحاقات آن تاکيد دارد و اين سند تاريخى را به عنوان مبنای مسلم حقوق انسانى مورد قبول همه‌ى ملل جهان پاس داشته و مبانى آن را در راهبرد هاى سياسى خود به کار مى برد و نقض گسترده‌ى حقوق دگراندیشان، دگرباشان، اقليت هاى مذهبى (سنىها، زرتشتىها، کلیمىها بهائىها و دراويش) و تبعيض عليه افغانستانىهاى ساکن ايران و ديگر شهروندانى که تبار ايرانى ندارند را محکوم مى کند.

۳. آمارها نشان می‌دهند که در کشور ما آسیب‌های اجتماعی انباشته شده‌اند و با فراروئیدن به فاجعه‌ای علیه همبستگی‌های اجتماعی، ساختارها و ارزش‌های آن را متزلزل می‌سازد، ناهنجاری‌ها را گسترش می‌دهد، جرائم را به طور فزاینده‌ای افزایش می‌دهد، فضای جامعه را آلوده می‌سازد، به نیروی سازنده کشور لطمه می‌زند و جامعه را به سوی فروپاشی سوق می‌دهد. نمود بارز این انباشت را در ۱۵ میلیون پرونده قضائی، وجود یک میلیون و ۵۰۰ هزار معتاد، ورود سالانه بیش از نیم میلیون نفر به زندان، ۱۳ میلیون حاشیه‌نشین، دو میلیون و نیم زن سرپرست خانوار بدون برخورداری از حمایت‌های لازم، وجود بیش از سه و نیم میلیون بیکار، فقر گسترده، کارتن‌خوابی، کودک آزاری، روسپیگری، بیماری‌هایی مانند ایدز، خودکشی، افسردگی و کودکان معتاد می‌توان دید. در رابطه با آسیب‌های اجتماعی مقدم بر هر اقدامی، ابتدا باید پذیرفت که با زور نمی‌توان امر پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی را پیش برد. هنجاری که در جمهوری اسلامی رایج است. به نظر ما بدون مشارکت مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد، به کارگیری دانش اجتماعی روانشناسی و جامعه‌شناسی و بدون بهره‌گیری از کارهای پژوهشی جامعه‌شناسانه نمی‌توان برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی به منظور درمان آن‌ها پشتیبانانه لازم را فراهم آورد.

۴. جنبش زنان پایدارترین جنبش اجتماعی و بسترساز جنبش دموکراتیک علیه جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مظهر تبعیض عریان علیه زنان است. مبارزه‌ی زنان کشور ما علیه تبعیض و برچیدن حجاب اجباری تاریخ چهل ساله دارد. حضور «دختران خیابان انقلاب» علیه حجاب اجباری جلوه‌ای از ابتکار عمل زنان در مبارزه علیه تبعیض است. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از تأمین برابری حقوق زنان با مردان دفاع می‌کند و از مبارزه‌ی زنان علیه فرهنگ مردسالاری، حجاب اجباری، رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض جنسیتی و برابری در همه‌ی زمینه‌ها از جمله ارث، حق حضانت، طلاق، حق مسافرت‌پشتیبانی می‌کند.

۵. معلمان کشور ما وظیفی خطیر آموزش فرزندان مردم و آینده‌سازان جامعه را بر عهده دارند. اما آن‌ها با حقوقی نازل در شرایط دشواری زندگی می‌کنند، برای افزایش حقوق، بیمه‌ی کارآمد، همسان سازی حقوق‌ها، حق تشکل، آزادی فعالان صنفی، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش و بهبود شرایط کاری شان تلاش می‌کنند. جمهوری اسلامی اعتراضات معلمان را سرکوب و فعالان تشکل‌های صنفی را به زندان می‌اندازد، از کار اخراج و تبعید می‌کند و همواره در پی اعمال کنترل امنیتی و ایدئولوژیک بر نظام آموزشی کشور است. ما برای آزادی

معلمان زندانی، به رسمیت شناختن حق تشکل، افزایش حقوق، توقف خصوصی سازی و پولی کردن آموزش، رسیدگی به سایر مطالبات معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته و مشارکت دادن آنها در اداره امور آموزشی و برنامه ریزی در امر آموزش مبارزه می کنیم.

۶. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از آزادی فعالیت نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، فیلمسازان، که همواره مورد تعقیب و آزار دستگاه های تفتیش عقاید و سرکوب حکومتی قرار دارند، حمایت می کند و برای لغو سانسور و منع پیگرد نویسندگان، روزنامه نگاران فیلمسازان و فرهنگسازان مبارزه می کند. ما از ایجاد تشکل های صنفی هنرمندان و برخورداری آنها از بیمه های درمانی و تامین اجتماعی حمایت می کنیم.

۷. دانشگاه و جنبش دانشجویی خار چشم جمهوری اسلامی است. رژیم در طول چهار دهه ی گذشته همواره از تمام ابزارها برای خاموش کردن صدای دانشجو و اعمال کنترل بر دانشگاه بهره گرفته است. در دانشگاه های کشور هم چنان فضای پادگانی حاکم است، نیروهای امنیتی به طور قابل توجهی حضور دارند و احضار دانشجویان برای بازجویی به کار روزمره ی نهادهای حراست تبدیل شده است. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر این باور است که استقلال دانشگاه ها و آزادی فعالیت های صنفی و سیاسی برای استادان و دانشجویان باید تامین گردد. هیچ دانشجویی نباید به دلیل عقیده، مذهب و یا فعالیت صنفی و سیاسی از تحصیل محروم و اخراج شود. ما از ابراز ازدانه ی عقاید در محیط های دانشگاه بدون محدودیت های امنیتی حمایت می کنیم.

۸. علیرغم سرکوب گسترده نیروهای چپ در دهه ۶۰، ما شاهد برآمد گرایش چپ در دهه های بعد در دانشگاه های کشور و در بین کارگران صنعتی و فعالیت در حوزه های مختلف از جمله در زمینه ی مسائل نظری، ترجمه ی آثار کلاسیک چپ و اندیشه پردازان چپ نو هستیم. رژیم از برآمد چپ احساس خطر کرده و در خیزش سال ۱۳۹۶ ده ها تن از دانشجویان چپ را دستگیر و به زندان انداخت. علی خامنه ای در یکی از سخنرانی هایش، نگرانی خود را از فعال شدن جریان مارکسیستی در دانشگاه های کشور اعلام نمود. سالهاست که برخی نشریات رسماً به ستیز با چپ برخاسته اند و به هر بهانه ای به تاریخ، اندیشه و موجودیت چپ می تازند. ما اقدامات سرکوب گرانه رژیم را محکوم می کنیم و تلاش های فکری و عملی کنشگران چپ در اشاعه ارزش ها و آرمان های چپ و مقابله با چپ ستیزی نشریات راستگرا را پاس می داریم و از آنها حمایت می کنیم.

۹. فساد و رانت خواری در رژیم جمهوری اسلامی ساختاری است. امروز افشای فساد حکومتی با مبارزه علیه استبداد پیوند خورده است. مبارزه علیه رانت خواری و فساد نیازمند شفاف

سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. اما استبداد حاکم همه این منافذ را بسته است.

۱۰. کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. در سال‌های گذشته فعالان مدنی با درک ابعاد این بحران برای حفظ محیط‌زیست، سازمان‌های متعدد مردم‌نهاد را پی ریختند و طرح‌های ضرور را تهیه و اقداماتی را هم در این رابطه سازمان دادند. اما جمهوری اسلامی فعالیت‌های آنان را برنتافت و ارگان‌های امنیتی رژیم عده‌ای از فعالان محیط‌زیست را با اتهام واهی جاسوسی بازداشت و آن‌ها را تحت فشارهای شدید به اعترافات دروغ وادار کردند و یا با حربه "خودکشی" آنان را سربه‌نیست و «خودکشی» کردند. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از آزادی فوری فعالان محیط‌زیست، آزادی فعالیت‌نهادهای مدافع محیط‌زیست، تدوین برنامه و مقررات لازم و انجام اقدامات موثر برای جلوگیری از آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و اعمالی است که به تخریب محیط‌زیست منجر شود، دفاع می‌کند و استفاده بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلودگی‌زا، بر پایه‌ی استانداردهای زیست‌محیطی را اجباری و بر لزوم برنامه‌ریزی برای ان تأکید دارد. ما خواهان رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی در باره محیط‌زیست و خطر گرم شدن زمین هستیم و از هر اقدامی که در سطح بین‌المللی در جهت حفظ محیط‌زیست باشد، حمایت می‌کنیم.

۱۱. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر تأمین حقوق ملی و قومی و برابرحقوقی شهروندان فارغ از تفاوت‌های ملی و قومی، زبانی، مذهبی و شیوه‌های زندگی فردی و بر عدم تمرکز و ضرورت اداره‌ی امور هر منطقه به دست ساکنان آن و آموزش به زبان مادری تأکید دارد. ما سیاست تبعیض‌آمیز و نفاق‌افکنانه را در بین مردم ایران و دیدگاه‌های نژادپرستانه را محکوم می‌دانیم.

۱۲. حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بر خروج نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از سوریه، خاتمه دادن به دخالت نظامی در مناقشات منطقه‌ای در عراق، یمن... و تشکیل نیروهای شبه نظامی در کشورهای منطقه، کنار گذاشتن سیاست استقرار "عمق استراتژیک" مبتنی بر شیعه‌گری در بیرون از مرزهای ایران و اتخاذ سیاست تنش‌زدائی در مناسبات ایران با تمام کشورها تأکید دارد. ما هم چنین، از خروج نیروهای نظامی دیگر کشورها از سوریه زیر نظر سازمان ملل و برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین سرنوشت این کشور توسط شهروندان آن پشتیبانی می‌کنیم. ما با تأکید بر نقش مخرب اقدامات عربستان و متحدان آن در تشدید جنگ یمن، معتقدیم جنگ و کشتار در یمن باید متوقف شود.

۱۳. ما مخالف اسرائیل ستیزی جمهوری اسلامی هستیم. وجود اسرائیل در خاورمیانه غیر قابل انکار است. سیاستی که این واقعیت را انکار کند، مخالف منافع ساکنان خاورمیانه، از جمله فلسطینیان، است. ما ادامه‌ی اشغال سرزمین‌های فلسطین را محکوم و سیاست‌های اسرائیل را مخالف صلح و همزیستی مسالمت آمیز می دانیم. اسرائیل باید به مرزهای به رسمیت شناخته شده‌ی ۱۹۶۷ بازگردد. ما رفتار اسرائیل نسبت به فلسطینیان در مناطق تحت اشغال را تبعیض آمیز می دانیم. از راه حل دو دولت برای حل مسالهی فلسطین و تامین صلح عادلانه در منطقه پشتیبانی می کنیم. نقض قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد مناطق اشغالی، الحاق بخش‌های دیگری از سرزمین‌های فلسطین و نیز بلندی‌های جولان به اسرائیل را غیر قابل قبول، و رسمیت دادن دولت آمریکا به توسعه طلبی‌های دولت اسرائیل را محکوم می دانیم. هر نوع تغییر و تحولی در این موارد باید در چهار چوب مقررات و حقوق بین الملل انجام شود. ما خواهان برچیده شدن سلاح های هسته ای در خاورمیانه هستیم.

۱۴. سیاست‌های دولت آمریکا و متحدان آن، خاورمیانه را به آشوب کشانده، به میدان خصومت‌های دائمی و جنگ‌های نیابتی تبدیل کرده و بستر مساعدی را برای رشد نیروهای افراطی نظیر داعش فراهم آورده است. ما سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه‌ی آمریکا را محکوم می‌کنیم و بر این باوریم که استقرار صلح و ثبات در منطقه مستلزم گفتگو و مذاکره بین دولت‌های متخاصم، گسست از دایره‌ی خصومت و جنگ، توقف تولید سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و نابودی آن‌ها، دمکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه، سمت‌گیری به سوی همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به جای تبدیل شدن به انبار تسلیحات دول بزرگ است.

۱۵. تنش بین دو دولت امریکا و جمهوری اسلامی به نقطه‌ی پر مخاطره‌ای رسیده است، هر دو طرف در مسیری خطرناک افتاده‌اند. درگیری نظامی بین دو دولت نتایج ویرانگری برای کشور ما و منطقه به بار می‌آورد. راه جلوگیری از درگیری احتمالی نظامی، متوقف نمودن تهدیدها علیه همدیگر و آغاز مذاکره‌ی بدون پیش‌شرط است. خارج شدن جمهوری اسلامی از برجام، می تواند اتحادیه اروپا و دولت ترامپ را علیه جمهوری اسلامی متحد کند و کشور را در یک درگیر جنگی کند که قربانی اصلی آن مردم ایران خواهند بود. ما خارج شدن دولت ترامپ از برجام را محکوم می کنیم و بر سیاست تنش‌زدائی، انجام مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی و حل اختلافات بر سر میز مذاکره تاکید داریم و معتقدیم که ادامه‌ی وضعیت موجود خطر بروز درگیری نظامی را افزایش می‌دهد. خواهان تنش زدائی و خروج نیروهای نظامی از خلیج فارس و غیر نظامی کردن آن هستیم.

۱. پیشنهادات در مورد **عنوان** سند سیاسی:

الف. برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات،

تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید!

ب. تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید،

برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات!

ج. برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار دمکرات،

در راه تشکیل مجلس موسسان

د. برای گذر از جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سکولار دمکرات

ه- برای گذار از جمهوری اسلامی به جمهوری سکولار و دمکرات،

برگزاری انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید!

(۲) و (۳)- پیشنهاد حذف دو بند در مورد اصلاح طلبان

(۴) پیشنهاد حذف « سیاست ما تقویت گرایش به سکولار دموکراسی و نقد گرایشی است که دل در گرو قدرت دارد.»

(۵). پیشنهاد آلترناتیو برای بند مربوط به اصلاح طلبان: یکی از ویژگی‌های تحولات اخیر، بروز تمایزی روشن بین سه گرایش در درون اصلاح طلبان است: ۱- گرایشی که سیاست خود را همچنان با قدرت مستقر تنظیم می کند، ۲- گرایشی که هنوز به امکان اصلاحات - به دقیقترین معنا از اصلاحات یعنی بهینه سازی نظام موجود - باور دارد، و ۳- گرایشی که بر لزوم "تغییرات ساختاری" در نظام کنونی، در عین مرزبندی با تحول خواهی، تأکید دارد. سیاست ما نقد گرایش اول، گشودن دیالوگ انتقادی با گرایش دوم و نیل به تفاهمات ممکن با گرایش سوم است.

(۵). پیشنهاد حذف بند در مورد «سمت اصلی مبارزه...»

(۶). شعار پیشنهادی: علیه تنش، فساد و سرکوب

(۷) شعار راهبردی ما استقرار جمهوری سکولار و دموکرات به جای جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی جدید است